

نقش سواد و تحصیلات والدین در عملکرد تحصیلی فرزندان

اعظم کریمی^{۱*}، عادل دریا^۲، فرامرز زاهری^۳، پیمان مرتضی زاده^۴

۱- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور
azamkarimi1402@gmail.com *

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی
Bandar53@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی
Faramarz.zaherii@gmail.com

۴- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی
Seyyd.peyman@gmail.com

چکیده

در یادگیری یک فرآیند پیچیده است که عوامل متعددی در آن موثر می باشد و یادگیری موثر می تواند زمینه ساز پیشرفت تحصیلی دانش آموز باشد. یکی از مسائل مهمی که در این امر دخیل می باشد، تحصیلات و میزان سواد پدر و مادر دانش آموزان می باشد. فرزندان که از والدین تحصیل کرده بهره مند هستند، بیشتر می توانند از راهنمایی های آنان در این زمینه استفاده کنند. به همین منظور برای بررسی این موضوع در این مقاله به مطالعه می پردازیم. روش تحقیق از نوع کتابخانه ای می باشد. در نهایت پس از بررسی منابع مرتبط نتیجه گرفتیم که نقش تحصیلات والدین، در تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری ها و بزه کاری ها، رعایت نظم و انضباط در خانه و مدرسه و جامعه، رشد شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس و دوری از لغزش ها، داشتن هدف در زندگی، توانایی در برقراری روابط محبت آمیز و برخورد خوب و مؤدبانه با دوستان و همکلاسی ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه، رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی و ... بسیار حساس و مهم است.

واژگان کلیدی: سواد، تحصیلات، والدین، یادگیری، پیشرفت تحصیلی، دانش آموز.

۱- مقدمه

مسلم است که داشتن معلم و مربی خوب یعنی معلم آشنا به اصول و روش ها و شیوه های علمی آموزشی-پرورشی و بهره مند از شخصیت سالم، مقدم بر داشتن مدارسی نو و مجهز است، زیرا معلم تربیت یافته می تواند مدرسه را ظهرچند واجد همه شرایط مطلوب نباشد- به یک محیط مناسب برای رشد و تکامل طبیعی و سالم که هدف نهایی تربیت مطلوب است تبدیل کند(شعاری نژاد، ۱۳۹۲). باید دانست که عوامل متعددی بر نگرش کودک از خود و اعضای خانواده ی خود مؤثر است، از آن جمله می توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر خانواده اشاره کرد که ارتباط مستقیم با سطح سواد و تحصیلات خانواده دارد. شخص باسواد امکان سلامت اقتصادی و تصمیم گیری بیشتری دارد و چنین انسانی نسبت به خود و فکر و فرهنگ جامعه بصیرت بیشتری دارد. سواد و تحصیلات، از دیدگاه اقتصادی، افراد را به سوی رشد و توسعه ی درونزاد و خلاق و هماهنگ با اجتماع و کشور هدایت می کند و از دیدگاه تخصصی، جامعه را موفق می سازد، افراد بزرگسال به عنوان عامل اساسی تولید، حتی با یک اصطلاح اقتصادی خاص که همان جمعیت فعال یا نیروی کار می باشد، مشخص می شوند. با توجه به آمار موجود، گسترش سواد کاهش رشد جمعیت و همچنین توسعه ی اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت دانش و ... را تسهیل نموده است. (پاشا، ۱۳۷۳).

بی سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد آشنفنگی ها یا آسیب های روانی رابه وجود می آورد معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می کنند، سطح

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مديريت آموزش و پرورش شهرستان ميناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بی‌کاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود. یادگیری، تمام تغییرات در رفتار می‌باشد که بر اثر تجربه ایجاد می‌شود (Domjan, 1997). پیشرفت تحصیلی یعنی این که اگر سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود، سازمان شد آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده در برنامه ریزی آموزشی نزدیک‌تر خواهد شد (سلیگمن، ۱۹۹۰).

۱-۱- بیان مساله

در عوامل مختلفی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. یکی از این عوامل می‌توان نگاه دانش‌آموزان نسبت به مسائل خانوادگی شان باشد. مهمترین این مسائل میزان سطح تحصیلات والدین آنها و در مفهوم خاص سواد یا بی‌سوادی آنها می‌باشد. حال آنکه در این مقاله به دنبال بررسی تأثیر میزان تحصیلات و سواد والدین بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستیم.

۲- یافته‌ها

اندیشه‌ی بشر همواره نعمتی گران قدر بوده است. این وجه افتراق با سایر موجودات سبب شده است، تا انسان در رهگذر تاریخ و در طول زمان به تکامل رهنمون شود. آدمی، از آغاز پا نهادن به این کره‌ی خاکی با مشاهده‌ی پدیده‌ها، مفاهیم و تصورات اولیه‌ای در ذهن خویش یافت، سپس در پی مفاهیم اسباب و علل پیدایش پدیده‌ها و رویدادها و تحولات، به تفکر و تجربه روی آورد و در هر مرحله گامی پیشتر فرا نهاد (حیدری، ۱۳۸۵). بی‌سوادی با فقر و ناهنجاری، پیوند مستقیم دارد و در محروم‌ترین مناطق کشورهایی که دچار کمبود منابع طبیعی هستند، در بین فراموش شده‌ترین، گروه‌های انسانی و کسانی که از نارسایی‌ها و کمبودهای مهم و اساسی مانند: غذا، بهداشت، مسکن، بیکاری و ... رنج می‌برند به گسترده‌ترین شکل ممکن وجود دارد. تداوم بی‌سوادی سده‌ی عظیم در راه توسعه است و مانع از آن می‌شود که میلیون‌ها نفر مرد و زن، عنان زندگی خود را در دست بگیرند. از یک سو، مواد آموزشی غیرقابل جذب به ساخت شناختی کودک برای او معنی‌دار نیستند. از سوی دیگر، اگر مواد آموزشی به طور کامل قابل جذب باشند، هیچ‌گونه یادگیری اتفاق نمی‌افتد. پس برای اینکه یادگیری صورت پذیرد، مواد آموزشی باید برای یادگیرنده تا اندازه‌ای آشنا و تا حدودی ناآشنا باشند. آن قسمت از مواد که آشنا یا شناخته شده است جذب ساخت شناختی می‌شود و آن قسمت که ناشناخته است موجب تغییرات جزئی در ساخت شناختی کودک خواهد شد. به این نوع تغییر تطابق یا انطباق گفته می‌شود، که می‌توان آن را معادل یادگیری دانست (اولسون و هرگنهان، ۱۳۸۹). سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است. بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بی‌کاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت افت پیدا می‌کند. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی علی‌رغم دگرگونی‌های بسیار هنوز هم در رشد روانی بهنجار و انتقال ارزش‌های فرهنگی هر جامعه کارکرد اساسی را به عهده دارد و باید برای قوام و تحکیم جایگاه آن برنامه ریزی‌های جهانی - ملی و منطقه‌ای صورت گیرد. رشد و تکامل و فعال شدن استعدادها و توانایی

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

های هر شخص مستلزم وجود خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت (مجموع شرایط زمانی - مکانی مؤثر) سالم است و توأم بودن آن‌ها از ضرورت‌های آموزش و پرورش مؤثر و موفق است. بی‌سوادی، عاملی است که مبارزه علیه فقر، نابرابری‌ها و ناهنجاری‌ها را محکوم به شکست می‌کند. بی‌سوادی هر چند که خود معلول نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی و تربیتی است، ولی در اینجا نقش تشدید و تعیین‌کننده‌ای دارد. درصد مردودی و ضعف تحصیلی در بین کودکانی که بدون صبحانه، به مدرسه می‌روند، بیشتر از کودکانی است که مسئله‌ی سوء تغذیه دارند. در محیط‌های فقیر، کودکانی که با شکم گرسنه به مدرسه می‌روند، وضعیت مدارس نیز، چندان تعریفی ندارد. در خانواده‌های سطح پایین، چون والدین نیز معمولاً از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند، در رسیدن به درس و مشق و تربیت فرزندان، با مشکل رو به رو می‌شوند.

از آن‌جا که تحصیلات والدین می‌تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیلمکرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفیدتر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردار خواهند بود و برخورداری از موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تأثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها می‌شود و در نتیجه بهتر می‌توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آن‌ها می‌شود. در حالی که کودکی که والدین وی تحصیلات خوبی ندارند نه تنها نمی‌توانند به وجود آنها افتخار کنند بلکه در خود احساس حقارت می‌کنند. ارتباط و تعامل آنها از سایرین کمتر است. البته تحصیلات به تنهایی نمی‌تواند عامل پیشرفت فرد محسوب شود. اما از آنجا که تحصیلات می‌تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی، اقتصادی بالاتر می‌گردد و نیز در تحقیقات ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین مالک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آن‌ها می‌گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده‌های با تحصیلات بالاتر فرزند کمتری دارند و بنابراین بهتر می‌توانند با آنها در ارتباط باشند. معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آن‌ها را دارند. مشاغل و گرفتاری‌های روزمره‌ی پدران و سواد و تحصیلات اندک، پرجمعیت بودن خانواده‌ها، اختلاف‌های خانوادگی، دوستان ناباب و فقر اقتصادی، با انحرافات از رفتار بهنجار، رابطه‌ای قابل ملاحظه دارد. اگرچه تحصیلات پدران و مادران در رفتار بهنجار فرزندان تأثیر انکارناپذیر دارد، اما در بررسی‌های انجام شده، نقش مادران، چشم‌گیرتر می‌نماید. دور بودن پدران از منزل به دلیل اشتغال، باعث می‌شود که فرزندان، بیشتر ساعات بیداری را با مادران خود بگذرانند. از این رو سطح سواد و تحصیلات مادران می‌تواند در هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد (شکاری، ۱۳۸۶). اهمیت این پژوهش در آن است که با شناخت عمیق و بیشتر نوجوانان و دانستن مسائل و ویژگی‌های خاص هر گروه از آنها نخست قادر به تشخیص آنها از سایر کودکان می‌شویم و سپس با ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب جهت رفع یا بهبود مشکلات آنها تلاش می‌کنیم از آن‌جایی که سطح سواد والدین و عوامل تأثیرگذار دیگری که قبلاً بیان شد بر سلامت روانی کودکان تأثیر دارد و سلامت روانی نیز در پیشرفت کودکان و نوجوانان در تحصیل مؤثر است باید شناخت عمیق تری از سطح سواد و تحصیلات و طبقات اجتماعی بدست آوریم و به اضطراب‌ها، تنش‌ها و مشکلات خانوادگی کودک پی برده و در جهت رفع آنها و خدمت به کودکان تلاش کنیم.

زمانی که معلمان به مواردی چون علاقه و ابتکار دانش‌آموزان، فرصت‌های مناسب برای به چالش کشیدن یادگیری آنها و ایجاد روابط اجتماعی مثبت، نظارت بر کل کلاس درس، تأکید بر نکات کلیدی درس، توضیح در زمینه‌ی پاسخ و هدایت دانش‌آموزان از طریق خطاها، توجه به نیازهای دانش‌آموزان با مهربانی و گرمی و دادن بازخورد توجه می‌کنند، مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان سطح بالاتری از مهارت‌های ریاضی، رفتارهای مناسب و برداشت مثبت از توانایی‌های علمی‌شان دارند، که تأثیر این رفتارها در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و بهبود پیامدهای یادگیری بیشتر از ویژگی‌های ساختاری (اندازه کلاس درس) است (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۳). سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است. بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بی‌کاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت آفت پیدا می‌کند. هرگاه در مورد وضع تحصیل و چگونگی پیشرفت تحصیلی فرزندان صحبت به میان می‌آید اغلب با پدر و مادرهایی برخورد می‌کنیم که اظهار دارند فرزندان خانواده‌های تحصیل کرده از پیشرفت و دانش آموزانی که دارای والدین بی‌سواد هستند اصولاً اصولاً در تحصیل نمی‌توانند پیشرفت کنند همچنین پدران و مادرانی را می‌بینیم که نگرش خاصی نسبت به مدرسه و تعلیم و تربیت کودکانشان دارند و این که تعلیم و تربیت و راه‌های ترقی و پیشرفت آن را فقط مدرسه می‌دانند و خود را در امر تعلیم و تربیت سهیم نمی‌دانند و فکر میکنند وظیفه‌ی والدین تربیت کردن و بار آوردن فرزندان است. والدین هرچه مطلع و بصیرتر باشند و در تربیت فرزندان پراستعداد خود بکوشند، در محیط نامناسب و ناهماهنگ موفقیت‌چندانی نخواهد داشت (سیف، ۱۳۸۹). بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان میتواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بینظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره مطالعات نشان داده است که هرچه آسیب‌های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین‌تر می‌آورد و عواملی چون فقر، بیکاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق و ... که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می‌شود و آشفتگی‌ها یا آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد هم‌سال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت آفت پیدا می‌کند. در حقیقت در برخی از این خانواده‌ها، سواد مقوله‌ی بیگان‌های است. تأثیر عمیق‌یکه این موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پایین، بر روی افراد خانواده و جامعه بر جا می‌گذارد، موجب بی‌نظمی و آشفتگی روانی میگردد، البته این آشفتگی روانی را در طبقات مختلف جامعه می‌توانید. شیوه‌های انحرافی ایجاد عالیم روانی بیماری اقدام به خودکشی بستری شدن قطع ارتباط با واقعیت، در طبقات پایین اجتماع، بیشتر دیده می‌شود (رستمی، ۱۳۹۳). یکی از عوامل مهم در پیشرفت یا ترک تحصیل دانش‌آموزان سواد والدین محسوب می‌شود. اگر بچه‌ها در محیط خانواده احساس پشت‌گرمی نمایند و هرگاه از نظر درسی مشکلی برایشان پیش آمد مطمئن باشند که اولیای آنها کمک می‌کنند در این صورت با دلگرمی بیشتری درس می‌خوانند و دچار عقب‌ماندگی تحصیلی نخواهند شد. چون تحصیلات والدین تأثیر بسزایی در موفقیت تحصیلی فرزندان دارد. تحقیقات متعددی نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که والدین آنها افرادی آگاه و باسواد بوده‌اند موفقیت تحصیلی آنان بیشتر بوده است. محیط خانواده در پیشرفت تحصیلی نقش مهمی دارد. دانش‌آموزی که والدین خود را مشغول مطالعه می‌بیند خودش نیز تشویق به درس خواندن می‌شود و آنها را به عنوان بهترین الگوی همانندسازی تحصیلی انتخاب می‌کند. بنابراین کمک و راهنمایی فرزندان توسط والدین امری است ضروری و نمی‌توان کار آموزش را تنها به مدرسه محول ساخت و از نقش خانواده در این زمینه غافل شد. دانش‌آموزان اوقات زیادی را در منزل می‌گذرانند و تحت تأثیر اعمال و رفتار والدین هستند و از آنها انتظار کمک و راهنمایی در زمینه درس را دارند. محصلین را باید به شرکت در فوق برنامه‌ها تشویق کرد. فعالیت‌هایی مثل فعالیت‌های خارج از کلاس که موقعیت به تجربه در آوردن دانش کسب شده در کلاس درس را برای آنها فراهم می‌کند؛ تأثیر مستقیم بر پیشرفت تحصیلی دارد. البته نباید ریسک زیادی درگیر شدن در فوق برنامه‌ها را فراموش کرد زیرا این خود موجب لطمه زدن به تحصیلات دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین این ایجاد تعادل بین فوق برنامه‌ها و برنامه رسمی مدرسه ضروری به نظر می‌رسد (زرععی، ۱۳۸۸).

خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می‌دهد بی‌تردید باید گفت که شخصیت نگرش‌ها طبقه اجتماعی، اقتصادی مذهب و خصوصیات وابستگی‌های نسبی خانوادگی تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش‌ها و میزان‌های اخلاقی به فرزندان تأثیر خواهد گذاشت (کریمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲). در رابطه با یادگیری و اشتراک آن با روانشناسی می‌توان گفت:

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

الف- مفاهیم فرایند مدار ذهنی (ادراک، تفکر، توجه ...) در تعریف و ویژگی‌ها وجه اشتراکی با مفهوم یادگیری دارند.

ب- اتفاق یادگیری از نظر روانشناسی با مفاهیم مربوط فاصله زیادی دارد.

ج- مفاهیم مربوط ابزارهای شناختی برای رسیدن به یادگیری از راه تجربه می‌توانند باشند.

د- یادگیری در بالاترین سطح مفاهیم فرایند مداری ذهنی قرار دارد.

ر- مفاهیم مربوط اگرچه ویژگی تغییر فرایند مداری را دارند اما اصلی‌ترین فرق‌شان در داشتن ویژگی در تغییر نسبتاً پایدار از راه تجربه می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۶). پایین بودن تحصیلات خانواده یکی از پارامترهایی است که می‌تواند بر افت تحصیلی تأثیر داشته باشد. افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های مهم خانواده و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است که این پدیده علاوه بر زیانهای هنگفت اقتصادی آثار سوء بر سلامت روانی دانش‌آموزان داشته، نگرانی نامطلوبی برای خانواده‌ها به دنبال دارد. یکی از روان‌شناسان تربیتی بر اساس یافته‌های علمی و تجارب تحقیقاتی خود بیان می‌کند. والدینی که اهل مطالعه یا علاقه مند به مباحث علمی و یافته‌های تحقیقاتی هستند و دوست دارند با اهل علم و اصحاب اخلاق حشر و نشر دانش داشته باشند و در مهمانی رفت‌ها و مهمان دعوت کردن‌ها به این نکته اهمیت بیشتری می‌دهند و آن را اصلی‌ترین معیارهای ارتباطات اجتماعی به شمار می‌آورند، فرزندان‌شان بیشترین موفقیت تحصیلی و نوآوری‌های فکری را از خود نشان می‌دهند (افروز، ۱۳۸۹).

فرض پایانه این بود که اگر بتواند بفهمد که چگونه دانش در نزد کودکان تشکیل می‌گردد، آنگاه خواهد فهمید که دانش چیست؛ زیرا ساختمان دانش ماهیت آن را نشان می‌دهد؛ درست همانطور که ساختمان صندلی موادی را که صندلی از آن ساخته شده است نشان می‌دهد (Furth, 1997). سطح رشد ساختاری کودک، مفاهیمی که او یاد خواهد گرفت را تعیین می‌کند، به این معنا که ساختار فکری محدودیت‌هایی را برای آنچه که یاد می‌گیرد، ایجاد می‌کند. در این مفهوم یادگیری به رشد بستگی دارد. با این وجود، نمی‌توان گفت که یادگیری از رشد پشتیبانی نمی‌کند (Youniss, 1971). اگر چیزی نتواند دست کم تا اندازه‌ای به ساخت شناختی ارگانسیم جذب شود، نمی‌تواند به صورت یک محرک زیست‌شناختی عمل کند. به همین معنی است که ساخت‌های شناختی محیط فیزیکی را می‌سازند. با گسترش ساخت‌های شناختی، محیط فیزیکی نیز گسترش می‌یابد. به همین منوال، اگر چیزی آن قدر به دور از ساخت شناختی ارگانسیم باشد که نتواند بر آن انطباق یابد یادگیری صورت نخواهد گرفت. برای اینکه یادگیری بهتر صورت پذیرد، اطلاعاتی باید ارائه شوند که قابلیت جذب در ساخت شناختی موجود را داشته باشند، اما در عین حال باید آن قدر با ساخت شناختی متفاوت باشند که تغییر در ساخت شناختی ضروری باشد. اگر اطلاعات قابل جذب نباشند، قابل فهم هم نخواهند بود. اما اگر به طور کامل درک بشوند، هیچ نوع یادگیری ضرورت نخواهد داشت. در واقع، طبق نظریه پایانه جذب و فهم تقریباً هم‌معنا هستند (اولسون و هرگنهان، ۱۳۸۹). از آن جا که در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهم‌ترین شاخص توفیق فعالیت‌های علمی و آموزشی محسوب می‌شود، بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روانشناسی برخوردار است.

روانشناسی شناختی نقش مهمی در روانشناسی تربیت جدید ایفا می‌کند و نقش آن در ارائه چگونگی یادگیری آدمی پیوسته در حال فزونی است. این روانشناسی، برخلاف رفتارگرایی، که فرایند یادگیری را در همه فراگیران اعم از کودک و بزرگسال، انسان یا حیوان، یکسان می‌داند، معتقد است که یادگیری نه تنها میان حیوان و انسان، بلکه میان خردسالان و بزرگسالان نیز فرق می‌کند. برای توجیه و تبیین یادگیری باید فرایندهای شناختی را نیز که در طول یادگیری انجام می‌گیرند، در نظر داشته باشیم. به طور کلی، روان‌شناسان شناختی، یادگیری را بر حسب تنظیم و سازماندهی درونی (ساختار درونی) مطالعه می‌کنند. ایشان ساختار ماده یا موضوع آموختنی و ساختار فرایندهای شناختی را در ارتباط با آن ماده مورد توجه قرار می‌دهند، و یادگیری را وقتی ممکن می‌دانند که یادگیرنده، روابط معناداری میان آنها کشف کند (شعاری نژاد، ۱۳۹۴). برخی از والدین فرزندان دارند که از نظر درسی متوسط و یا اندکی ضعیف هستند اگر تلاش و کوشش مستمر ولی اندک درباره اشان بعمل آید خواهد توانست خود را همسطح دیگر شاگردان کنند ولی بعزت بی‌سوادی والدین و یا پایین بودن سطح تحصیلات و اطلاعات آنها قادر نیستند به فرزندان خویش کمک کنند همچنین برای اینگونه والدین بسی دشوار است که فرزندان خود را از نظر درسی کنترل کنند

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مهدویت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

اغلب آنها بخود واگذاشته شده و یا در برخی از موارد با حيله های والدین خود را در نادانی نسبت به وضع خود نگه می دارند. بر این اساس سطح فرهنگی والدین و استعداد و امکان آنها به پرداخت نسبت به کودک و کنترل سر به هوای آنان در عقب ماندگی درسی مؤثر است (افروز، ۱۳۸۹). درآمد پایین یک خانواده ضررهای زیادی به فرزندان و پیشرفت دانش آموزان می زند، از نظر پزشکی تغذیه ناکافی و نامناسب باعث کند شدن فعالیت تارهای عصبی در بدن می شود و عوارضی از قبیل بی حوصلگی و بی ارادگی و بی میلی، اختلال در دید و مواردی دیگر رابه وجود می آورد، از آن جایی که بچه ها به تفریح احتیاج دارند و تفریح باعث قوی تر شدن اعضای بدن بخصوص ذهن می شود، خانواده های کم درآمد از این نعمت بی بهره اند.

۳- بحث و نتیجه گیری

زمانی که معلمان به مواردی چون علاقه و ابتکار دانش آموزان، فرصت های مناسب برای به چالش کشیدن یادگیری آنها و ایجاد روابط اجتماعی مثبت، نظارت بر کل کلاس درس، تأکید بر نکات کلیدی درس، توضیح در زمینه پاسخ و هدایت دانش آموزان از طریق خطاها، توجه به نیازهای دانش آموزان با مهربانی و گرمی و دادن بازخورد توجه می کنند، مشاهده می شود که دانش آموزان سطح بالاتری از مهارت های ریاضی، رفتارهای مناسب و برداشت مثبت از توانایی های علمی شان دارند. در تحقیقات نتیجه گرفته شد که میزان تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر بسیار زیادی دارد. دانش آموزانی که در خانواده های کم سواد و بی سواد زندگی می کنند افت تحصیلی دارند. والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات مثبتی دارد. به عقیده ی بزرگان دین کسب علوم در دوران جوانی مناسب تر است و بهتر در ذهن می ماند و ذهن جوان را از اشتغال به موضوعات نامربوط و بیهوده بازمی دارد؛ هرچه جامعه به عالم بیشتر اهمیت دهد و انگیزه های علمی را بیشتر تشویق کند، جوانان را به شناخت بهتر خود، جامعه و جهان رهنمون می سازد و در نتیجه آنان را از گرایش به خلاف و انحرافات بازمی دارد و همچنین این امر بدون کمک والدین و شناخت آن ها از نوجوانان تحقق نمی یابد. تحصیلات والدین در برقراری عدالت و دوری از تبعیض و اختلاف ناعادلانه و ناروا بین کودکان و ایجاد نزدیکی و صمیمیت واقعی و تعامل و گرمی روابط بین اعضا خانواده، بسیار مؤثر و سازنده و سرنوشت ساز است. به طور کلی، نقش تحصیلات والدین، در تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری ها و بزه کاری ها، رعایت نظم و انضباط در خانه و مدرسه و جامعه، رشد شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس و دوری از لغزش ها، داشتن هدف در زندگی، توانایی در برقراری روابط محبت آمیز و برخورد خوب و مؤدبانه با دوستان و همکلاسی ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه، رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی و ... بسیار حساس و مهم است.

منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). اقتدار والدین. ماه نامه ی پیوند انجمن اولیاء و مربیان.
- اقدسی، سمانه، کیامنش، علیرضا، مهدوی هزاوه، منصوره، صفرخانی، مریم (۱۳۹۳). تعامل معلم-دانش آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق: مطالعه موردی از مدارس ابتدایی شرکت کننده در آزمون پرلز ۲۰۰۶ و تیمز ۲۰۰۷. فصلنامه تعلیم و تربیت. دوره سی ام. شماره سوم. صص ۹۳-۱۲۰.
- اولسون، میتو اچ، هرگنهان، بی.آر (۱۳۸۹). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه علی اکبر سیف. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات دوران.
- پاشا، حسن (۱۳۷۳). روش های آماری در روانشناسی، علوم تربیتی، اجتماعی. چاپ پنجم. نشر دانا.
- حسینی، علی اکبر (۱۳۹۶). بررسی تعریف و ویژگی های یادگیری در علم روانشناسی. سومین کنفرانس روانشناسی و علوم رفتاری.



هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت

وزارت آموزش و پرورش
اناره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مديريت آموزش و پرورش شهرستان ميناب
دانشگاه هرمزگان
اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

تهران:

حیدری، اکرم (۱۳۸۵). مشکلات روانی نوجوان و جوان، افق تحصیلی. نشر گستر تهران.
رستمی، رقیه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناختی.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روان شناسی تربیتی. چاپ سوم. تهران: انتشارات عابد.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۲). روان شناسی رشد. چاپ بیستم. تهران: انتشارات اطلاعات.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴). روان شناسی تربیت و تدریس (آموزش-پرورش). چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.

شکاری، عباس (۱۳۸۶). مسائل آموزش و پرورش و راهکارهای آن. چاپ اول. تهران: نشر عابد.

Domjan, M.P. (1997). Principles of Learning and Behavior, Wadsworth, USA.

Furth H. (1977). The operative and figurative aspects of knowledge in Piaget's theory. In B.A. Geber (Ed.), Piaget and knowledge: Studies in genetic epistemology, Holt, Rinehart & Winston, London.

Youniss J. (1971). Classificatory schemes in relation to class inclusion before and after training, Hum. Devel. 15, 171-183.